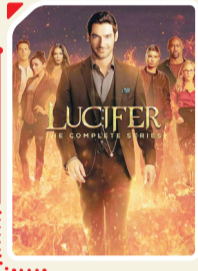


### اسبی که شهرت را می خواهد

بوچک هورسمن / الیسون تافل

«بوچک هورسمن» سریال انیمیشن تولیدشده توسط نتفلیکس بود که خیلی زود بینندگان و منتقدان را با فرو رفتن تدریجی خود در افسردگی عمیق یک اسب انسان نما که روزگاری ستاره یک سریال کمدی در اوایل دهه ۱۹۹۰ بوده، شگفت زده کرد. در این سریال، شهر هالیوود از انسان ها و حیوانات سخنگویی تشکیل شده که پر از امید، رویا و حسرت اند. ویل آرنت، صدایشگر این اسب مشهور که در ابتدای فصل سه به آرزوی کودکی اش می رسد و در فیلم زندگی نامه‌ی «سکرتریات» بازی می کند را برعهده دارد. آرون پل، ستاره‌ی سریال «برکینگ بد»، نقش هم خانه‌ی عجیب و غریب بوچک، یعنی تاد را بازی می کند. «امی سدریس»، صدایشگر پرنسس کارولین، مدیر برنامه‌های بوچک است و الیسون بری بازیگر دایان گوبین، نویسنده‌ی زندگی نامه‌ی بوچک است.



### رانده شده از بهشت

لوسیفر / تام کاپیتوس

داستان این مجموعه درباره لوسیفر مورنینگ استار، فرشته‌ای جذاب و قدرتمند بوده که به دلیل شورش از بهشت بیرون انداخته شده است. لوسیفر، به عنوان شیطان، خسته از گذراندن میلیون ها سال به عنوان ارباب جهنم و مجازات کردن گناهکاران، از زندگی اش در جهنم بی حوصله و ناراضی می شود. بنابراین برای مخالفت با پدرش، تاج و تخت خود را رها کرده و پادشاهی اش را به سمت لس آنجلس، جایی که کلوب شبانه خود، لاکس را اداره می کند، رها می کند. لوسیفر هنگامی که درگیر پرونده قتل می شود، با کارآگاه کلویی دیگر ملاقات می کند. لوسیفر پس از کمک به اداره پلیس لس آنجلس در حل پرونده قتل با استفاده از قدرتش در فهمیدن خواسته‌های درونی افراد، به عنوان مشاور، به کلویی در تحقیقات بعدی کمک می کند. ستارگانی چون تام الیس، لورن جرم، کوین آلخاندرو و راجل هاریس در این سریال کمدی-درام نقش آفرینی کرده اند.



### چالش شکارچی جهش یافته

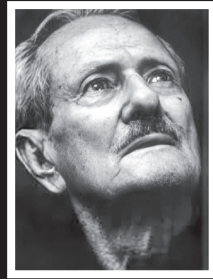
ویچر / لورن اشمیت هیسریچ

«گرات رپویایی»، جادوگر و شکارچی جهش یافته که به آن ها ویچر می گویند، در تلاش است تا جای خود را در این دنیای پر از خشونت و ظلم پیدا کند. دست تقدیر، ویچر را به سمت جادوگران قدرتمند و یک پرنسس جوان سوق می دهد که قدرتی ماورایی دارد. حال، آن ها باید یاد بگیرند در راستای هدفی که دنبال می کنند در این قاره پر از خشونت راه خود را به تنهایی پیدا کنند. هنری کوپل برای بازی در این نقش در کنار تمرینات سنگین بدنسازی آموزش های بسیاری برای شمشیرزنی هم یاد گرفت؛ به طوری که به گفته خود او همیشه حتی در خانه و محل استراحت هم شمشیر به دست در حال تمرین بوده است. این سریال در سه فصل اکران شده که فصل اول آن در سال ۲۰۱۹ از نتفلیکس پخش و فصل سوم آن در ۸ قسمت، در سال ۲۰۲۲ پخش شد.

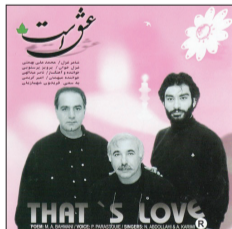
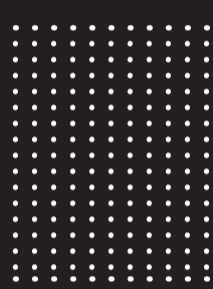
بالبین همه کوچ چهره های شاخص این موسیقی به خارج از کشور و وارد شدن کاست های غیرقانونی آنها به داخل ایران، ارتباط مردم با موسیقی پاپ را تداوم بخشید و خود یکی از عوامل موثر در راه اندازی مجدد آن در سال های بعد از جنگ و به طور ویژه در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ بود؛ زیرا از جایی که بعدد مسئولان دریافتند که راه مقابله با موسیقی تولیدشده در لس آنجلس نه توقیف و تحریم که رقابت است. بدین ترتیب سیاست های جدیدی در پیش گرفته شد و نسل نوینی از خوانندگان، ترانه سرایان و آهنگسازان به این عرصه وارد شدند.

محمد اصفهانی، خنیاار اعتمادی، سعید شهروز، شاه مهر عقیلی، ناصر عبداللهی، امیر کریمی، علیرضا عصار، قاسم افشار، حسین زمان و مانی رهنما از جمله نخستین این خوانندگان بودند که تنوعی به بازار پاپ ایرانی بخشیدند. در سال ۱۳۷۷ برای اولین بار پس از انقلاب، جشنواره موسیقی پاپ هم برگزار شد و به تدریج با گسترش برگزاری کنسرت و تولید آلبوم، برخی از این خوانندگان جایی نیز در خانه های مردم یافتند و جدا از پخش صدای آنها بر سر چهارراه ها و مغازه های فروش کاست، نوای آنها در خانه ها نیز طنین افکن شد. ناصر عبداللهی در میان همین دسته از خوانندگان جزء خوش اقبال ترین ها و محبوب ترین ها بود و به واسطه آنکه در موسیقی خود از موسیقی بومی جنوبی نیز استفاده شایان توجهی می کرد، بسیار مورد توجه قرار می گرفت.

رایج است که عموماً از ویکن به عنوان اصلی ترین چهره آغازگر موسیقی پاپ در ایران نام برده می شود. باین همه دیگرانی معتقدند احمد عاشورپور (۱۳۸۶-۱۳۹۶) را باید پدر موسیقی پاپ ایرانی دانست؛ خواننده، آهنگساز و ترانه سرای اهل ازلگی که بیشتر ترانه هایش به زبان گیلکی بود و پدر موسیقی محلی گیلان است و از نخستین خوانندگانی بود که آهنگ هایی چون «نوروز»،



یکی از ویژگی های شاخص ناصر عبداللهی که یادآور شباهت های میان او و احمد عاشورپور به عنوان پدر موسیقی پاپ ایرانی است، در عطف توجه هم زمان او به موسیقی محلی جنوب و تلفیق میان آنها دیده می شود



بازخوانی کارهای ناصر خیلی سخت است. این بازخوانی ها در ماندگاری آثار بسیار مهم است. ناصر، خواننده سطح بالایی بود و هر کاری را نمی خواند. واقعاً آهنگ «نامهربانی» (در دیگران میجوی ام اما بدن ای دوست) را کدام فرد عادی می تواند بخواند؟ یا اصلاً کجا می توان خواند؟ در مهمانی می شود؟ مگر اینکه موزیسینی با آن صدایی، بتواند این کارها را بخواند

تحلیل نهایی، جایگاه ناصر عبداللهی در تاریخ موسیقی پاپ ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟ مثل نسیم، مثل یک عطر ملایم که خاطره اش همیشگی است؛ کوتاه، ولی ماندگار.

### نگاه منتقد

## من خودم نه خاطره!

برای ناصر عبداللهی که شبیه خودش بود



حمید ناصحی منتقد موسیقی

و اعتمادبه نفس لازم در همان جا مانده بود. نوع موسیقی و کلامی که او در آغاز راه انتخاب کرد هر چند تفاوت هایی با جریان غالب داشت، اما مهم ترین تفاوت او در نوع آواز خوانی و جنس صدا بود. تالیتهای صدای او چیزی میان تنور، باس و سبک خوانندگی اش دارای ویژگی های نوجوانانه ای بود که او را از هم دوره های هاش مطرح اش جدا می کرد. تاثیر بارز او از اسطوره های موسیقی هرمزگان، ابراهیم منصفی، هر چند غیر قابل انکار است اما او را تبدیل به نسخه ای دوم منصفی نکرده بود.

شهرت او با ترانه «ناصریا»، آغاز شد. ترانه ای که در همان اولین انتشار از یک برنامه ی پر بیننده ی تلویزیون سراسری او را مورد توجه جدی آسوی مردم قرار داد. ناصر عبداللهی به تهران کوچید تا هنرش را از مسیری حرفه ای تر به گوش مردم برساند و «ناصریا» با کلامی محلی و صدا و اجرای خاص او توانست نقطه ای آغاز درخشش او شود. انتخاب و اجرای چنان ترانه ای با آن رنگ صدای آشنا؛ دایانه، نیاز به جسارتی داشت که در هم نسلان او بسیار کمیاب بود. او در قدم مهم بعدی توسط محمد علی بهمنی به انتشارات دارینوش معرفی شد تا بتواند در بالاترین سطح بازار موسیقی آن زمان به خلق و انتشار آثارش بپردازد. برادران معظمی با مؤسسه ی دارینوش، یکی از مهم ترین و مؤثرترین مجموعه های انتشار کتاب و موسیقی را اداره می کردند که شاید بتوان گفت، بخشی از تحول نظام بازار موسیقی و کتاب در ۳۰ سال اخیر متأثر از حضور آن مجموعه بوده است. ناصر عبداللهی این بخت را داشت تا در کنار محمد علی بهمنی مجموعه ی دارینوش بتواند در موقعیتی مناسب برای ارائه ی هنر منحصر به فردش قرار بگیرد. حاصل این همکاری، شروعی توفانی بود. ناصر تبدیل به یکی از محبوب ترین خواننده های نسل خود شد. از طرفی او به دلیل انتخاب موضوعات و مضامین مذهبی در برخی ترانه هایش، حمایت کامل سیستم فرهنگی رسمی را هم با خود داشت. پس از آن آغاز توفانی بود که همکاری او با چهره های شاخص ترانه ای آن نسل مانند اهورا ایمان، نیلوفر لاری پور، یغما گلروبی، محمدرضا چراغعلی، مهرداد نصرتی و بهنام ابطحی به خلق برخی از ماندگارترین ترانه های آن نسل انجامید.

ناصر عبداللهی اما در ۲۵ سالگی با مرگی مشکوک از میان ما رفت. در جایی از عمر یک هنرمند که تازه آغاز مسیر خلق هنری است. بی شک اگر او مانده بود، امروز ده ها ترانه ی شنیدنی و قابل اعتنا از او در خاطره ی جمعی ما بالانشینی می کردند. یادش گرامی

موسیقی پس از بهمن ماه ۵۷ در مسیری متفاوت قرار گرفت. محدودیت ها و ممنوعیت های رسمی و غیررسمی باعث شد که عمده ی جریان های روبه رشد عاشورپور (۱۳۸۶-۱۳۹۶) را باید پدر موسیقی پاپ ایرانی دانست؛ خواننده، آهنگساز و ترانه سرای اهل ازلگی که بیشتر ترانه هایش به زبان گیلکی بود و پدر موسیقی محلی گیلان است و از نخستین خوانندگانی بود که آهنگ هایی چون «نوروز»، «ساز و نقاره» و «جو ما بازار» را نیز به سبک پاپ اجرا کرد و در ترانه هایش به زندگی مردم کوچ و بازار، زحمتکش و تهیه دست پرداخت. از این منظر یکی از ویژگی های شاخص ناصر عبداللهی را که یادآور شباهت هایی میان او و سرچشمه های موسیقی پاپ ایرانی بود، باید در عطف توجه هم زمان او به موسیقی محلی جنوب و تلفیق میان آنها دانست؛ کما اینکه زیست شخصی او نیز آنگونه که همراهان و دوستانش حکایت می کنند، حاکی از التفات خاص عبداللهی به زندگی مردم پایین شهر و فقیر است. از او آثاری با درونمایه های متفاوت مذهبی، اجتماعی، عاشقانه و عارفانه بر جای مانده است که برخی به راستی آثاری ماندگار و قابل تأمل هستند. بازی می دانیم که او به عوالم عارفانه علاقه داشت و برای همین حس و حال خودش را بیش از هر چیز در این آثار بازتاب می داد. باین همه شاید یکی از بهترین ترانه های که موقعیت او را در آن سال های گشایش اولیه و در عین حال به عنوان هنرمندی حساس به وضعیت جامعه، مردم و باورهای آنها به نمایش می گذاشت، ترانه «ضیافت» باشد که در کنار «ناصریا»، یکی از پرشنونده ترین آهنگ های ناصر بودند و ترانه آن که یغما گلروبی نوشته بود، چنین شروع می شد: «من خودم نه خاطره، منظره ام نه پنجره / من به هوای تازه ام. نه انعکاس حنجره / می خوام سکوت کوچره رو، ترانه بارون بکنم / دلارو به ضیافت ترانه مهمون بکنم / می خوام بگم که این صدا هر چی که هست مال منه / شیشه رخوت شیو سنگ ستاره می شکنه / خونه من همین وراست، پیش شما پیاده ها / هر جا که چشم عاشقی مونده به خط جاده ها». عبداللهی خواننده ای بود از این جنس و در زمانه ای که اجراهای خوانندگان پاپ گوش ها را می خراشد و حتی انعکاس حنجره نیز نیست. آدمی ترجیح می دهد نقدهایش به نسل اولی های داخل کشور را بگذارد برای وقتی دیگر و به احترام آنها کلاه از سر بردارد.